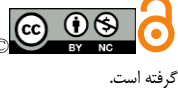




شبهه استناددهی: آزرمی بستان‌آباد، کریمه، دهقانی، مرضیه، کرامتی، محمدرضا، حکیمزاده، رضوان، و صالحی، کیوان. (۱۴۰۳). طراحی الگوی اجرای برنامه درسی نمایش‌محور در کتاب فارسی پایه‌ی چهارم ابتدایی و اثربخشی آن بر پیشرفت تحصیلی، مهارت‌های زبانی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان. *آموزش، تربیت و توسعه پایدار*، ۲(۲)، ۱-۱۷.



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

طراحی الگوی اجرای برنامه درسی نمایش‌محور در کتاب فارسی پایه‌ی چهارم ابتدایی و اثربخشی آن بر پیشرفت تحصیلی، مهارت‌های زبانی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان

کریمه آزرمی بستان‌آباد^۱، مرضیه دهقانی^۲، محمدرضا کرامتی^۳، رضوان حکیمزاده^۴، کیوان صالحی^۵

۱. دانشجوی دکترا، گروه روش‌ها و برنامه‌های درسی و آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. دانشیار، گروه روش‌ها و برنامه‌های درسی و آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. استاد، گروه روش‌ها و برنامه‌های درسی و آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: Dehghani_m33@ut.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش، ارائه الگویی برای اجرای برنامه درسی نمایش‌محور در درس فارسی پایه چهارم ابتدایی و بررسی اثربخشی آن بر پیشرفت تحصیلی، مهارت‌های زبانی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بود. این پژوهش با رویکردی آمیخته (کیفی-کمی) و طراحی اکتشافی انجام شد. در بخش کیفی، با استفاده از تحلیل فراترکیب، عناصر اجرای الگو شناسایی و با روش‌های روایی محتوایی و صوری روایی‌سنجی شد. در بخش کمی، با طرح شبه‌آزمایشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل، اثربخشی الگو بر متغیرهای وابسته بررسی شد. همچنین، از روایت‌پژوهی برای درک عمیق تجربه‌های زیسته دانش‌آموزان استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که الگو دارای روایی و پایایی مطلوبی است و اجرای آن منجر به بهبود معنادار پیشرفت تحصیلی، مهارت‌های زبانی (خواندن، نوشتن، گوش دادن، صحبت کردن) و مهارت‌های اجتماعی (خودکنترلی، همدلی، ابراز وجود، همکاری) دانش‌آموزان شده است. روایت‌پژوهی نیز نشان داد که این الگو تأثیری تحول‌آفرین بر یادگیری و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان داشته است. الگوی برنامه درسی نمایش‌محور، رویکردی مؤثر و نوآورانه برای بهبود کیفیت آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی است و می‌تواند در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌گان: برنامه درسی نمایش‌محور، آموزش زبان فارسی، پایه چهارم ابتدایی، پیشرفت تحصیلی، مهارت‌های زبانی، مهارت‌های اجتماعی.

تاریخ ارسال: ۶ فروردین ۱۴۰۳

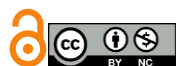
تاریخ بازنگری: ۱۰ تیر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۸ تیر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۰ مرداد ۱۴۰۳



How to cite: Azarmi Bostanabad, K., Dehghani, M., Keramati, M. R., Hakimzadeh, R., & Salehi, K. (2024). Designing a Curriculum Implementation Model Based on Drama in the Fourth-Grade Persian Textbook and Its Effectiveness on Students' Academic Achievement, Language Skills, and Social Skills. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(2), 1-17.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Designing a Curriculum Implementation Model Based on Drama in the Fourth-Grade Persian Textbook and Its Effectiveness on Students' Academic Achievement, Language Skills, and Social Skills

Karimeh Azarmi Bostanabad¹, Marzieh Dehghani^{2*}, Mohammad Reza Keramati³, Rezvan Hakimzadeh³, Keyvan Salehi²

1. PhD student, Department of Curriculum and Instructional Methods and Programs, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Curriculum and Instructional Methods and Programs, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. Professor, Department of Curriculum and Instructional Methods and Programs, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran.

*Corresponding Author's Email: Dehghani_m33@ut.ac.ir

Abstract

The purpose of this study was to propose a model for implementing a drama-based curriculum in the fourth-grade Persian language course and to examine its effectiveness on students' academic achievement, language skills, and social skills. This research employed a mixed-method (qualitative–quantitative) approach using an exploratory design. In the qualitative phase, through meta-synthesis analysis, the elements of the implementation model were identified and validated using content and face validation methods. In the quantitative phase, the effectiveness of the model on the dependent variables was tested through a quasi-experimental pretest–posttest design with a control group. In addition, narrative inquiry was used to gain a deep understanding of the students' lived experiences. The findings indicated that the model demonstrated desirable validity and reliability, and its implementation led to significant improvements in academic achievement, language skills (reading, writing, listening, speaking), and social skills (self-control, empathy, assertiveness, cooperation) among students. Narrative inquiry further revealed that this model had a transformative impact on students' learning and holistic development. The drama-based curriculum model represents an effective and innovative approach to improving the quality of Persian language education in elementary school and can be utilized in the design and implementation of curricula.

Keywords: *drama-based curriculum, Persian language education, fourth grade of elementary school, academic achievement, language skills, social skills.*

Submit Date: 25 March 2024

Revise Date: 30 June 2024

Accept Date: 07 July 2024

Publish Date: 10 August 2024

آموزش و پرورش در جهان معاصر به عنوان یکی از بنیادی‌ترین ارکان توسعه اجتماعی و فرهنگی شناخته می‌شود و کارکرد آن فراتر از انتقال ساده دانش است؛ بلکه بستری برای رشد مهارت‌های زبانی، اجتماعی و تفکر انتقادی در میان نسل جدید فراهم می‌آورد. در این میان، بازاندیشی در روش‌ها و برنامه‌های درسی ضرورت می‌یابد، چرا که نظام‌های آموزشی سنتی با تکیه بر حفظیات و شیوه‌های غیرفعال دیگر پاسخگوی نیازهای پیچیده دنیای امروز نیستند (Salehi et al., 2024). تغییرات سریع فناوری، تحولات اجتماعی و رشد انتظارات جامعه از مدرسه، ایجاب می‌کند که رویکردهای نوین آموزشی با تأکید بر یادگیری فعال و تجربه‌محور مورد توجه قرار گیرند (Hu & Shu, 2025).

یکی از رویکردهای نوآورانه در این زمینه، بهره‌گیری از نمایش و درام در آموزش است که می‌تواند به صورت یک برنامه درسی نمایش‌محور طراحی و اجرا شود. نمایش از دیرباز به عنوان ابزاری مؤثر برای یادگیری عاطفی، شناختی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است و پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که می‌تواند نقش کلیدی در توسعه چندجانبه دانش‌آموزان ایفا کند (Amini, 2011). در ایران نیز، برخی تلاش‌ها برای ورود رویکردهای نمایشی به آموزش صورت گرفته، اما هنوز جایگاه آن در نظام آموزشی کشور تثبیت نشده است (Agha Abbasi, 2011).

مطالعات اخیر در سطح ملی و بین‌المللی نشان می‌دهند که برنامه‌های نمایشی می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر ارتقای کیفیت یادگیری داشته باشند. برای نمونه، پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند که استفاده از فعالیت‌های هنری همچون نمایش، شعرخوانی و داستان‌گویی موجب افزایش معنادار یادگیری مفاهیم آموزشی در دانش‌آموزان ابتدایی شده است (Sabzeh et al., 2024). همچنین، تحلیل ساختار داستان‌های کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی بیانگر آن است که اگر این داستان‌ها با روش‌های نمایشی ترکیب شوند، می‌توانند تأثیر عمیق‌تری بر رشد زبانی و ادبی دانش‌آموزان داشته باشند (Nourifard & Akbari, 2015).

از منظر مهارت‌های اجتماعی نیز شواهد قابل توجهی وجود دارد. نتایج پژوهش‌ها بیانگر آن است که آموزش نمایشی می‌تواند به بهبود ابعاد مختلف مهارت‌های اجتماعی از جمله همکاری، همدلی، خودکنترلی و ابراز وجود کمک کند (Sabzevar et al., 2015). در همین راستا، پژوهشی دیگر نشان داد که اجرای تئاتر آموزشی در میان دانش‌آموزان ابتدایی موجب ارتقای مهارت‌های ارتباطی و بهبود تعامل با همسالان شده است (Rajabi & Alimoradi, 2017). این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های بین‌المللی نیز همسو است؛ به عنوان مثال، مطالعه‌ای در عربستان سعودی نشان داد که استفاده از نمایش در آموزش زبان انگلیسی منجر به افزایش معنادار مهارت‌های ارتباطی و سازگاری تحصیلی در میان دانش‌آموزان شده است (Alasmari & Alshaeel, 2020).

در پژوهش‌های خارجی، ابعاد گسترده‌تری از کارکردهای درام در آموزش مورد بررسی قرار گرفته است. گوالدرون و کاستیلو (Gualdron & Castillo, 2018) تأکید کرده‌اند که تئاتر به عنوان یک روش جامع می‌تواند موجب افزایش انگیزه یادگیری، رشد همکاری‌های عاطفی و بهبود تعامل گروهی در میان زبان‌آموزان شود. داوسون و لی (Dawson & Kiger Lee, 2018) نیز با معرفی «پداگوژی مبتنی بر نمایش»، نشان داده‌اند که این رویکرد توانایی ادغام دروس مختلف و ایجاد یک چارچوب یادگیری بین‌رشته‌ای را دارد. علاوه بر آن، پژوهش‌های سانچز و همکاران (Sanchez et al., 2022) نشان داده‌اند که ادغام نمایش در موضوعات و مقاطع مختلف می‌تواند ابزار ارزشمندی برای معلمان تازه‌کار در تقویت عمل بازتابی و خلاقیت آموزشی باشد.

تأثیر نمایش تنها محدود به حوزه‌های زبانی یا اجتماعی نیست، بلکه ابعاد شناختی و مهارت‌های تفکر را نیز در بر می‌گیرد. هو و شو (Hu & Shu, 2025) نشان داده‌اند که آموزش نمایشی از طریق همکاری و تعامل، تفکر انتقادی دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد. این یافته‌ها به خوبی اهمیت نمایش را به عنوان ابزاری چندبعدی در ارتقای کیفیت یادگیری نشان می‌دهند.

با این حال، پژوهش‌های انجام‌شده در ایران حاکی از آن است که ضعف‌های ساختاری در کتاب‌های درسی فارسی، کمبود توجه به مهارت‌های کاربردی و غلبه روش‌های سنتی تدریس، مانعی برای تحقق اهداف یادگیری فعال محسوب می‌شوند (Abbasi et al., 2019; Salsabili, 2019).

(2021). بررسی‌های تطبیقی نیز نشان داده‌اند که بسیاری از نظام‌های آموزشی پیشرفته توانسته‌اند با بهره‌گیری از شیوه‌های نمایشی، فضای یادگیری را از حالت ایستا و یک‌سویه به تجربه‌ای پویا و چندحسی تبدیل کنند (Alam et al., 2021).

از بعد نظری، تحلیل‌ها و مرورهای علمی بر اهمیت طراحی یک الگوی بومی و ساختارمند برای آموزش نمایش‌محور تأکید دارند. خادمی بارنگنانی و خادمی (Khademi Barangnani & Khademi, 2024) با بررسی روش تدریس نمایشی، بیان کرده‌اند که این شیوه علاوه بر غنی‌سازی یادگیری شناختی، به تقویت تعاملات اجتماعی و توسعه توانمندی‌های فردی دانش‌آموزان کمک می‌کند. همچنین، پژوهش‌های رضائی‌راد (Rezaeirad, 2024) و نظری و همکاران (Nazari et al., 2024) نشان داده‌اند که تدریس نمایشی موجب ارتقای خودکنترلی، سازگاری تحصیلی و افزایش کیفیت یادگیری در میان دانش‌آموزان ابتدایی می‌شود.

در حوزه بین‌المللی نیز متاآنالیزهای اخیر بر کارکردهای روان‌شناختی و اجتماعی نمایش تأکید دارند. برگس و همکاران (Berghs et al., 2022) در یک مرور نظام‌مند نشان داده‌اند که نمایش‌درمانی نه تنها مشکلات روانی-اجتماعی را کاهش می‌دهد بلکه موجب بهبود تنظیم هیجان، رشد شناختی و تقویت هویت اجتماعی در کودکان و نوجوانان می‌شود. همچنین، لیمونیدیس و کایافا (Lemonidis & Kaiafa, 2019) نشان دادند که بهره‌گیری از راهبردهای قصه‌گویی نمایشی در آموزش ریاضی، موجب بهبود عملکرد دانش‌آموزان در یادگیری مفاهیم دشوار می‌گردد.

در ایران نیز برخی پژوهش‌ها به‌طور محدود به این حوزه پرداخته‌اند. بختیاری و همکاران (Bakhshi, 2022) بر اهمیت نقش مهارت‌های اجتماعی در انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی همچون کار خادمی بارنگنانی (Khademi, 2024) و صفری ماچک پشته (Barangnani & Khademi, 2024) و صفری (Safari Machak Poshti et al., 2023) نشان داده‌اند که رویکرد نمایش‌محور به‌طور مستقیم با بهبود یادگیری دروس پایه مرتبط است. این یافته‌ها در امتداد کارهای قدیمی‌تر مانند پژوهش ذکرپایی و همکاران (Zakariaei et al., 2008) قرار می‌گیرند که اثر اجرای نمایش و قصه‌گویی را بر خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی بررسی کرده‌اند.

در عین حال، بررسی‌های آسیب‌شناسانه نشان داده‌اند که برنامه‌های درسی موجود از ضعف‌هایی همچون عدم انعطاف‌پذیری، تمرکز بیش از حد بر جنبه‌های نظری و بی‌توجهی به روش‌های خلاقانه آموزشی رنج می‌برند (Abolhasani & Dehghani, 2021; Ezzati & Vahedi, 2017). این وضعیت موجب شده تا نیاز به طراحی و اجرای الگویی کارآمد برای آموزش زبان فارسی با استفاده از رویکردهای نمایشی بیش از پیش احساس شود.

علاوه بر این، تغییر نگرش به آموزش در پرتو فناوری‌های نوین و تحولات اجتماعی معاصر، اهمیت بهره‌گیری از روش‌های تعاملی همچون نمایش را برجسته‌تر ساخته است (Salehi et al., 2024). پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نیز تأکید دارند که بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل کمبود فرصت‌های یادگیری فعال، از اضطراب آموزشی، کاهش انگیزه و ضعف در مهارت‌های زبانی رنج می‌برند (Abbasi et al., 2019; Nazari et al., 2024). این در حالی است که نمایش می‌تواند محیطی امن، خلاق و پویا برای یادگیری فراهم آورد که در آن دانش‌آموزان با ایفای نقش، گفت‌وگو و همکاری گروهی، مهارت‌های متنوعی را توسعه دهند (Khurshidi & Ghandali, 2001; Mastropieri & Scruggs, 2016).

با توجه به شواهد موجود، به نظر می‌رسد که بهره‌گیری از الگوی برنامه درسی نمایش‌محور می‌تواند پاسخی مناسب به چالش‌های نظام آموزشی ایران در حوزه آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی باشد. چنین الگویی قادر است همزمان بر ابعاد مختلف یادگیری شامل پیشرفت تحصیلی، مهارت‌های زبانی و مهارت‌های اجتماعی اثر بگذارد و مسیر جدیدی برای تحول آموزشی بگشاید (Alvand et al., 2023). بنابراین، هدف این پژوهش طراحی الگویی برای اجرای برنامه درسی نمایش‌محور در درس فارسی پایه چهارم ابتدایی و بررسی اثربخشی آن بر پیشرفت تحصیلی، مهارت‌های زبانی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان است.

این پژوهش با توجه به هدف تحقیق از نوع کاربردی محسوب می‌شود زیرا از نتایج آن در بهبود وضعیت تعلیم و تربیت استفاده می‌گردد، و بر اساس روش گردآوری داده‌ها از دو بخش تشکیل شده است که بخش اول از نوع تحقیقات توصیفی تحلیلی و بخش دوم آزمایشی است (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۴۰۲). از منظر رویکرد زیربنایی، این پژوهش نوعی پژوهش آمیخته (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی به شمار می‌رود که در آن نتایج روش اول که به صورت کیفی است، باعث شکل‌گیری و روشن شدن روش دوم که کمی است، می‌گردد. در تحقیق آمیخته‌ای اکتشافی، محقق ابتدا از طریق رویکرد کیفی اطلاعات مورد نظر را جمع‌آوری می‌کند و گردآوری اطلاعات کیفی منجر به توصیف جنبه‌های بی‌شماری از پدیده می‌شود که این شناخت اولیه، با استفاده از رویکرد تحقیق کمی داده‌های حاصل از مرحله کیفی را اعتبار بخشی می‌نماید (بازرگان، ۱۳۸۸).

در مرحله‌ی اول پژوهش که جنبه کیفی دارد، برای پاسخگویی به سؤالات اول و دوم از روش تحلیل اسنادی و روایی با مرور متخصصان استفاده شد. روش اسنادی مستلزم جست و جویی توصیفی و تفسیری است که در آن پژوهشگر تلاش می‌کند تا با استفاده‌ی نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود اقدام نماید (ابوالحسنی، دهقانی، جوادی پور، صالحی و محمدحسنی، ۱۴۰۰). برای جستجوی منابع از پایگاه‌های فارسی شامل نورمگز، مگ ایران و SID و پایگاه‌های انگلیسی Eric و Science Direct با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط استفاده شد. برای روایی الگوی طراحی شده از روش مرور متخصصان با استفاده از روش گروه کانونی استفاده شد که در آن هفت متخصص دارای مدرک دکتری تخصصی در گروه‌های مجازی برخط شرکت کردند و روایی الگو را بررسی نمودند. همچنین برای پاسخگویی به سوال چهارم از روایت‌پژوهی دانش‌آموزان استفاده شد که در آن افراد تجربه‌های خود را از پدیده‌ی مورد پژوهش به صورت حکایت بیان کردند و ابزار گردآوری داده شامل مصاحبه روایی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشاهدات میدانی بود. در مرحله‌ی دوم که جنبه کمی دارد، برای اعتباریابی بیرونی الگو از روش شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه‌ی آماری این بخش را کلیه‌ی دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم ابتدایی شهرستان بستان‌آباد در استان آذربایجان شرقی که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل داد. انتخاب نمونه از بین جامعه‌ی مذکور به روش نمونه‌گیری در دسترس و به شکل گروه‌های طبیعی صورت گرفت و دو کلاس پایه‌ی چهارم ابتدایی که هر یک شامل ۳۰ نفر بودند انتخاب شدند، اما ۲۰ نفر از هر کلاس به طور کامل و مؤثر در فرآیند آموزش شرکت داشتند. متغیر مستقل این پژوهش برنامه‌ی درسی نمایش محور و متغیرهای وابسته شامل پیشرفت تحصیلی، مهارت‌های زبانی و مهارت‌های اجتماعی بود، در حالی که سن، پایه‌ی تحصیلی و جنسیت به عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته شدند. ابزارهای پژوهش شامل آزمون معلم ساخته برای سنجش پیشرفت تحصیلی در درس فارسی، آزمون مهارت‌های زبانی مندرج در مدرسه خوانا که از کتاب فارسی پایه چهارم استخراج شده و شامل دو آزمون شفاهی و کتبی بود، و پرسشنامه‌ی مهارت‌های اجتماعی گرشام و الیوت (۱۹۹۰) با ۲۷ گویه و امتیازدهی طیف لیکرت با چهار بعد خودکنترلی، همدلی، ابراز وجود و همکاری استفاده گردید. برای تأیید روایی ابزار پژوهش، پرسشنامه‌ها در اختیار اساتید راهنما و مشاوران محترم به عنوان کارشناسان و متخصصان قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات جزئی به تأیید نهایی رسید. در برآورد پایایی پرسشنامه‌های مهارت‌های زبانی و مهارت‌های اجتماعی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب کل آلفای کرونباخ برای پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ۷۲ درصد به دست آمد که مؤید پایا بودن این ابزار بود.

روش اجرای پژوهش به این صورت بود که پس از مرحله‌ی نمونه‌گیری، از هر دو گروه آزمایشی و کنترل پیش‌آزمون گرفته شد، سپس در گروه کنترل یادگیری به صورت سابق انجام شد در حالی که در گروه آزمایشی، یادگیری در درس فارسی به کمک برنامه‌ی درسی نمایش محور صورت گرفت و در پایان از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد. طول دوره آموزشی برای هر دو گروه ۱۲ هفته و هر هفته به مدت ۴۰ دقیقه بود که تدریس گروه آزمایشی را پژوهشگر خود بر عهده داشت. اجرای برنامه درسی نمایش محور شامل چهار مرحله آمادگی، توضیح، نمایش و آزمایش و سنجش بود که در هر جلسه موضوعات مختلفی مانند آشنایی با نمایش، داستان خوانی، شخصیت‌پردازی، گفتگو و مکالمه، توصیف

و تعریف، احساسات و عواطف، کار گروهی، حل مسئله، ارتباط غیرکلامی، خلاقیت در بیان و نمایش نهایی با تکنیک‌هایی مانند ایفای نقش، نمایش خوانی، بداهه‌پردازی، نوشتن فیلم‌نامه و کار گروهی اجرا شد.

برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده در بخش کمی پژوهش از روش‌های آمار توصیفی مثل فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و همچنین از روش‌های آمار استنباطی از جمله آزمون تحلیل کوواریانس برای مقایسه گروه‌های آزمودنی‌ها قبل و بعد از آموزش استفاده شد. قبل از استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس، پیش‌فرض‌های این روش از قبیل نرمال بودن توزیع متغیر وابسته با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، یکسانی شیب خط رگرسیونی با استفاده از تعامل بین اثر گروه نمرات پیش‌آزمون و همگنی واریانس‌ها با استفاده از آزمون لوین مورد بررسی قرار گرفت. در بخش کیفی نیز از روش تحلیل محتوا برای تحلیل داده‌های حاصل از مرور متخصصان و روایت‌پژوهی استفاده شد. جهت حفظ اعتبار درونی و بیرونی پژوهش، کلاس‌ها به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند، حجم نمونه زیاد انتخاب شد تا از افت آزمودنی جلوگیری شود، و از آزمون‌های استنباطی استفاده شد تا اثر انتظار آزمایشگر بر نتایج تأثیرگذار نباشد.

یافته‌ها

برای شناسایی عناصر اجرای الگوی برنامه درسی نمایش محور در درس فارسی پایه چهارم ابتدایی، از روش تحلیل فراترکیب استفاده شد. پس از بررسی گسترده منابع علمی معتبر داخلی و خارجی شامل پایگاه‌های ProQuest, Scopus, Google Scholar، جهاد دانشگاهی و سیویلیکا، و تحلیل محتوای ۱۶۱ مؤلفه استخراج شده از مطالعات پیشین، هشت عنصر اصلی برای اجرای الگوی برنامه درسی نمایش محور شناسایی گردید.

جدول ۱. عناصر اصلی الگوی برنامه درسی نمایش محور و ویژگی‌های کلیدی آن‌ها

عنصر	ویژگی‌های کلیدی	توضیح
یادگیری	تعاملی، تجربی، داستان‌محور، اجتماعی، خلاقانه	هسته اصلی فرآیند آموزشی با تأکید بر درام و تعاملات دیالوگ‌محور
محیط کلاس	انعطاف‌پذیر، امن و حمایتی، مجهز به ابزارهای نمایشی، چندرسانه‌ای، الهام‌بخش	فضایی پویا برای اجرای فعالیت‌های نمایشی با چیدمان قابل تغییر
معلم	خلاق و مبتکر، حمایتی، ماهر در مدیریت، آگاه به نیازهای دانش‌آموزان، ارتباط‌محور	نقش تسهیل‌گر و کارگردان در طراحی سناریوها و هدایت فعالیت‌ها
پیش‌زمینه‌های اجرا	متناسب با سن، شخصی‌سازی‌شده، مبتنی بر آگاهی، متناسب با فرهنگ، انعطاف‌پذیر	شناخت نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان قبل از اجرا
روش تدریس	تعاملی و مشارکتی، چندحسی، خلاقیت‌محور، چالش‌برانگیز، تسهیل‌محور	فعالیت‌های نمایشی که حواس مختلف را درگیر می‌کند
دانش‌آموزان	فعال و مشارکتی، خلاق، مسئولیت‌پذیر، حساس به نیازها، مرتبط با زندگی واقعی	بازیگران اصلی فرآیند یادگیری با نقش فعال در ایفای نقش
محتوا	متناسب با سن، جذاب و داستان‌محور، فرهنگ‌محور، تلفیقی، انعطاف‌پذیر	داستان‌ها و متون ادبی مرتبط با فرهنگ محلی و اهداف درسی
ارزیابی	عملکردی، مشارکتی، سازنده، چندوجهی، متمرکز بر رشد	روش‌های کیفی مبتنی بر مشاهده مستقیم و بازخورد سازنده

این هشت عنصر در قالب الگوی یکپارچه‌ای طراحی شدند که یادگیری را از طریق فعالیت‌های نمایشی به تجربه‌ای پویا، خلاق و معنادار تبدیل می‌کند. در این الگو، معلم به‌عنوان تسهیل‌گر با استفاده از محتوای جذاب و متناسب با فرهنگ دانش‌آموزان، فعالیت‌های نمایشی را در محیطی امن هدایت می‌کند تا دانش‌آموزان مهارت‌های زبانی، اجتماعی و عاطفی خود را توسعه دهند.

برای بررسی روایی الگوی طراحی شده، از روش‌های روایی محتوایی و صوری استفاده شد. در مرحله روایی محتوایی، نظرات ۱۲ متخصص شامل ۵ عضو هیأت علمی برنامه‌ریزی درسی، ۴ عضو هیأت علمی آموزش زبان فارسی و ۳ آموزگار مجرب پایه چهارم جمع‌آوری شد.

جدول ۲. نتایج روایی محتوایی و صوری الگو

مضمون اصلی الگو	CVR	وضعیت CVR	CVI	وضعیت CVI	روایی صوری (از ۵)
یادگیری	۰.۸۳	تأیید	۱.۰۰	عالی	۴.۴
محیط کلاس	۱.۰۰	تأیید	۰.۹۲	عالی	۴.۲
معلم	۰.۸۳	تأیید	۱.۰۰	عالی	۴.۵
پیش‌زمینه‌های اجرا	۰.۶۷	تأیید	۰.۸۳	قابل قبول	۳.۹
روش تدریس	۱.۰۰	تأیید	۱.۰۰	عالی	۴.۳
دانش‌آموزان	۰.۸۳	تأیید	۰.۹۲	عالی	۴.۱
محتوا	۰.۶۷	تأیید	۰.۸۳	قابل قبول	۴.۰
ارزیابی	۰.۵۰	تأیید	۰.۷۵	قابل قبول	۳.۸
میانگین کل	۰.۷۹	تأیید	۰.۹۱	عالی	۴.۱۵

حد آستانه CVR برای ۱۲ متخصص: ۰.۵۶؛ حد آستانه CVI: ۰.۷۹؛ حد آستانه روایی صوری: ۳.۵

نتایج نشان داد که تمام ۸ مضمون اصلی الگو دارای نسبت روایی محتوایی (CVR) بالاتر از حد آستانه ۰.۵۶ بودند. میانگین کل شاخص روایی محتوایی (CVI) برابر ۰.۹۱ به دست آمد که نشان‌دهنده روایی عالی محتوای الگو است. برای روایی صوری نیز الگو به ۱۵۰ آموزگار پایه چهارم ارائه شد و میانگین نمره ۴.۱۵ از ۵ حاصل شد که نشان‌دهنده روایی صوری مطلوب است.

جدول ۳. نتایج پایایی الگو به تفکیک مضامین

مضمون اصلی	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	تست-بازتست	ضریب کاپا	وضعیت کلی
یادگیری	۶	۰.۸۶	۰.۸۷	۰.۸۲	مطلوب
محیط کلاس	۱۰	۰.۸۳	۰.۸۴	۰.۷۹	مطلوب
معلم	۸	۰.۸۹	۰.۸۹	۰.۸۵	مطلوب
پیش‌زمینه‌های اجرا	۵	۰.۷۸	۰.۷۹	۰.۷۴	قابل قبول
روش تدریس	۷	۰.۸۵	۰.۸۶	۰.۸۱	مطلوب
دانش‌آموزان	۷	۰.۸۱	۰.۸۲	۰.۷۸	قابل قبول
محتوا	۸	۰.۸۴	۰.۸۳	۰.۸۰	مطلوب
ارزیابی	۶	۰.۷۷	۰.۷۶	۰.۷۳	قابل قبول
کل الگو	۵۷	۰.۹۱	۰.۸۸	۰.۷۹	عالی

پایایی الگو از طریق سه روش بررسی شد: ضریب آلفای کرونباخ کل الگو ۰.۹۱ (عالی)، پایایی تست-بازتست ۰.۸۸ (مطلوب) و پایایی بین ارزیابان با ضریب کاپا ۰.۷۹ (قابل قبول) که همگی نشان‌دهنده ثبات و تکرارپذیری مناسب الگو هستند. برای بررسی اثربخشی الگو، مطالعه شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بر روی ۶۰ دانش‌آموز (۳۰ نفر در هر گروه) انجام شد. پیش از تحلیل اصلی، پیش‌فرض‌های آماری شامل نرمال بودن توزیع و همگنی واریانس‌ها بررسی و تأیید شدند.

جدول ۴. اثربخشی الگو بر پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های زبانی

متغیر/مؤلفه	گروه آزمایش	گروه کنترل	تغییر آزمایش	تغییر کنترل	آماره t	اندازه اثر (d)	سطح معناداری
پیشرفت تحصیلی	۱۷.۸۷±۲.۶۳	۱۵.۲۳±۲.۴۱	۳.۶۴±۱.۸۹	۱.۱۶±۱.۲۴	۴.۱۲۷	۱.۰۷	p<۰.۰۰۱
مهارت‌های زبانی	۸۹.۲۷±۹.۴۵	۷۲.۱۳±۸.۶۷	۲۰.۸۴±۶.۷۳	۴.۲۶±۳.۸۹	۷.۶۸۳	۱.۹۸	p<۰.۰۰۱
کل	۲۲.۸۷±۲.۹۵	۱۸.۴۳±۲.۷۶	۵.۶۴±۲.۱۳	۱.۴۶±۱.۸۷	۶.۲۴۵	۱.۶۱	p<۰.۰۰۱

- گوش دادن	۲۱.۹۳±۲.۸۴	۱۷.۸۹±۲.۶۵	۵.۰۶±۱.۹۸	۱.۱۶±۱.۴۵	۶.۸۹۲	۱.۷۸	p<۰.۰۰۱
- نوشتن	۲۱.۶۷±۳.۱۲	۱۷.۹۶±۲.۸۳	۴.۷۳±۲.۲۴	۱.۱۵±۱.۶۲	۵.۷۳۴	۱.۴۸	p<۰.۰۰۱
- صحبت کردن	۲۲.۸۰±۲.۸۷	۱۷.۸۵±۲.۶۹	۵.۴۱±۲.۰۸	۰.۴۹±۱.۲۳	۷.۱۲۳	۱.۸۴	p<۰.۰۰۱

نمرات پس‌آزمون ارائه شده‌اند. اندازه اثر: کوچک (۰.۲)، متوسط (۰.۵)، بزرگ (۰.۸)

نتایج نشان داد که الگوی برنامه درسی نمایش محور بر پیشرفت تحصیلی و تمام چهار مهارت زبانی تأثیر معنادار و مثبتی داشته است. بیشترین تأثیر بر مهارت‌های زبانی کل ($d=1.98$) و در میان مؤلفه‌های زبانی، بیشترین اثر بر مهارت صحبت کردن ($d=1.84$) و کمترین اثر بر مهارت نوشتن ($d=1.48$) مشاهده شد. همه اندازه‌های اثر در سطح بزرگ قرار داشتند.

الگوی نمایش محور بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان نیز تأثیر قابل توجهی داشت. این مهارت‌ها در چهار بعد خودکنترلی، همدلی، ابراز وجود و همکاری مورد سنجش قرار گرفتند.

جدول ۵. اثربخشی الگو بر مهارت‌های اجتماعی و ابعاد آن

بعد مهارت اجتماعی	حداکثر نمره	گروه آزمایش	گروه کنترل	تغییر آزمایش	تغییر کنترل	آماره t	اندازه اثر (d)	سطح معناداری
مهارت‌های اجتماعی کل	۵۴	۴۴.۲۳±۵.۱۲	۳۴.۲۷±۴.۹۵	۱۲.۰۶±۳.۸۷	۲.۳۴±۲.۱۴	۸.۱۴۲	۲.۱۰	p<۰.۰۰۱
- خودکنترلی	۱۶	۱۱.۸۷±۱.۸۴	۸.۹۳±۱.۶۵	۳.۶۴±۱.۲۳	۰.۷۶±۰.۸۹	۶.۸۹۲	۱.۷۸	p<۰.۰۰۱
- همدلی	۱۴	۱۰.۷۳±۱.۷۶	۸.۴۷±۱.۵۴	۲.۷۹±۱.۱۵	۰.۶۰±۰.۷۸	۵.۶۳۴	۱.۴۵	p<۰.۰۰۱
- ابراز وجود	۱۲	۱۰.۲۷±۱.۶۳	۸.۲۳±۱.۴۱	۲.۴۴±۱.۰۸	۰.۴۷±۰.۷۱	۵.۱۲۳	۱.۳۲	p<۰.۰۰۱
- همکاری	۱۲	۱۱.۳۶±۱.۷۱	۸.۶۴±۱.۴۸	۳.۱۹±۱.۱۹	۰.۵۱±۰.۷۳	۶.۷۴۵	۱.۷۴	p<۰.۰۰۱

نتایج نشان داد که مهارت‌های اجتماعی بیشترین اندازه اثر ($d=2.10$) را در میان همه متغیرهای مورد بررسی داشت. در میان ابعاد مهارت‌های اجتماعی، بیشترین تأثیر بر بعد خودکنترلی ($d=1.78$) و کمترین تأثیر بر بعد ابراز وجود ($d=1.32$) مشاهده شد. همه ابعاد در سطح معناداری $p<0.001$ بهبود یافتند. تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) نیز تأیید کرد که برنامه درسی نمایش محور به طور همزمان بر همه سه متغیر وابسته تأثیر معناداری دارد ($Wilks' \Lambda = 0.153$, $F = 32.145$, $p < 0.001$, $\eta^2 = 0.633$). این نتایج نشان می‌دهد که الگوی طراحی شده قادر است به طور مؤثر پیشرفت تحصیلی، مهارت‌های زبانی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را بهبود بخشد و می‌تواند به عنوان رویکردی نوآورانه در آموزش زبان فارسی مورد استفاده قرار گیرد.

برای پاسخ به سوال چهارم تحقیق، از روش کیفی با رویکرد روایت‌پژوهی استفاده شد. هدف، درک عمیق تجربه‌های زیسته دانش‌آموزان از اجرای برنامه درسی نمایش محور در درس فارسی بود. این رویکرد بر درک تجربه‌های فردی و جمعی افراد از طریق داستان‌ها و روایت‌های آنان تمرکز دارد. مطالعه روی ۱۲ دانش‌آموز دختر ۱۰ ساله پایه چهارم ابتدایی انجام شد که به دلیل مشارکت فعال در فعالیت‌های نمایشی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته (۱۲۰-۱۵۰ دقیقه با هر دانش‌آموز)، مشاهده مشارکتی در کلاس، نقاشی و نوشته‌های دانش‌آموزان و مصاحبه گروهی جمع‌آوری شد.

از تحلیل روایت‌های دانش‌آموزان، پنج مضمون اصلی استخراج شد که در جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول ۶. مضامین اصلی روایت پژوهی و نمونه‌هایی از روایت‌های دانش‌آموزان

مضمون	توضیح کلیدی	نمونه روایت	تأثیرات مشاهده شده
از ترس تا شجاعت	غلبه بر خجالت و ترس از صحبت در جمع	“یادمه اولین باری که خانم معلم گفت ‘امروز نمایش داریم’، انگار قلبم از جا کنده شد... حالا توی کلاس، وقتی سؤالی می‌پرسن، دستم رو بلند می‌کنم” (آیسان)	افزایش اعتماد به نفس، مشارکت فعال در کلاس، کاهش اضطراب اجتماعی
یادگیری از طریق بازی	تبدیل یادگیری به تجربه‌ای لذت‌بخش و معنادار	“قبل از نمایش‌ها، درس فارسی برام مثل یه کار سخت بود... حالا فارسی دیگه برام خسته‌کننده نیست، مثل یه بازی بزرگه” (آیناز)	تغییر نگرش مثبت به درس، بهبود درک مطالب، ماندگاری یادگیری
دوستی و همکاری	تقویت روابط اجتماعی و مهارت‌های کار گروهی	“قبل از نمایش‌ها، توی کلاس تنها بودم... حالا بهترین دوستامون شدیم و حتی توی خونه به هم زنگ می‌زنیم” (زهره)	ایجاد دوستی‌های جدید، تقویت همکاری، حل تعارضات
کشف خلاقیت درونی	شناسایی و پرورش استعدادهای پنهان	“من هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم بتونم شعر بنویسم... حالا هر وقت چیزی قشنگ می‌بینم، شعر می‌نویسم” (هستی)	کشف استعدادهای هنری، افزایش خلاقیت، ایجاد انگیزه برای تولید محتوا
درک عمیق مفاهیم اخلاقی	انتقال ارزش‌ها از طریق تجربه عملی	“تصمیم گرفتم دیگه دروغ نگم، حتی اگه کوچیک باشه... نمایش بهم یاد داد که دروغ گفتن مثل یه دیوار می‌مونه که آدم رو تنها می‌کنه” (لیلا)	تغییر رفتار اخلاقی، افزایش همدلی، تقویت مسئولیت‌پذیری

دو داستان تحول برجسته از روایت‌های دانش‌آموزان استخراج شد:

جدول ۷. داستان‌های تحول دانش‌آموزان

دانش‌آموز	وضعیت اولیه	فرآیند تحول	نتیجه نهایی	اندازه تغییر
زهره	دانش‌آموز ساکت و منزوی که کمتر در فعالیت‌های کلاسی شرکت می‌کرد	شروع با نقش کوچک → دریافت بازخورد مثبت → پذیرش نقش‌های بزرگتر → ارائه ایده‌های خلاقانه	تبدیل به رهبر گروه و مشارکت فعال در تمام فعالیت‌ها	تحول کامل
سارا	دانش‌آموز پرخاشگر که اغلب با همکلاسی‌ها درگیر می‌شد	ایفای نقش شخصیت منفی → تجربه نقش‌های مثبت → درک تأثیر رفتار مهربانانه	کاهش قابل توجه رفتارهای پرخاشگرانه و افزایش همدلی	تحول رفتاری

جدول ۸. مقایسه نگرش دانش‌آموزان نسبت به روش‌های تدریس

جنبه مقایسه	روش سنتی	روش نمایش محور	درصد ترجیح
میزان علاقه	“خیلی کسل‌کننده بود”	“جالب‌تر و هیجان‌انگیزتر”	۱۰۰٪ نمایش محور
نحوه یادگیری	“فقط می‌نشستیم و گوش می‌دادیم”	“خودمون بازیگر هستیم”	۱۰۰٪ نمایش محور
ماندگاری مطالب	“چیزی یاد نمی‌موند”	“بهتر یاد می‌مونه”	۱۰۰٪ نمایش محور
کاربرد در زندگی	“درس فقط برای امتحان بود”	“توی زندگی واقعی استفاده می‌کنم”	۱۰۰٪ نمایش محور
مشارکت اجتماعی	کار انفرادی	“با دوستان کار می‌کنم”	۱۰۰٪ نمایش محور

بر اساس تحلیل روایت‌ها، عوامل زیر در موفقیت برنامه نقش کلیدی داشته‌اند:

جدول ۹. عوامل کلیدی موفقیت برنامه از دیدگاه دانش آموزان

عامل	توضیح	نمونه روایت	میزان اهمیت
حمایت معلم	تشویق مداوم و ایجاد فضای امن	“خانم معلم همیشه تشویقمون می‌کرد”	بسیار بالا
فضای امن	پذیرش اشتباه به عنوان بخشی از یادگیری	“می‌دونستیم اشتباه کردن اشکال نداره”	بالا
مشارکت همگانی	امکان نقش‌آفرینی برای همه دانش آموزان	“همه می‌تونستن نقش داشته باشن”	بالا
تنوع فعالیت‌ها	ارائه فعالیت‌های متنوع و خلاقانه	“هر روز یه کار جدید می‌کردیم”	متوسط
ارتباط با زندگی	کاربردی بودن مطالب آموخته شده	“چیزهایی که یاد می‌گرفتیم، توی زندگی کاربرد داشت”	بالا

جدول ۱۰. پیشنهادات و ایده‌های خلاقانه دانش آموزان

نوع پیشنهاد	محتوا	توضیح	قابلیت اجرا
توسعه زمانی	“کاش بیشتر وقت داشتیم برای نمایش”	افزایش ساعات اختصاص یافته به فعالیت‌های نمایشی	بالا
توسعه درسی	“کاش توی درس‌های دیگه هم نمایش داشتیم”	استفاده از نمایش در علوم، ریاضی و سایر دروس	متوسط
مشارکت خانواده	“کاش والدینمون هم می‌اومدن نمایش‌هامون رو ببینن”	برگزاری نمایش‌هایی با حضور والدین	بالا
بهبود امکانات	“کاش می‌تونستیم لباس‌های قشنگ‌تری بپوشیم”	تأمین لوازم و لباس‌های نمایشی بهتر	متوسط
ایده‌های نوآورانه	“می‌تونیم از موبایل فیلم بگیریم”	استفاده از فناوری در ضبط و نمایش اجراها	بالا
گسترش فرهنگی	“می‌تونیم نمایش‌های مختلف کشورها رو یاد بگیریم”	آشنایی با فرهنگ‌های مختلف از طریق نمایش	متوسط

از تحلیل عمیق روایت‌ها، چهار الگوی مشترک تحول شناسایی شد:

مسیر تحول شخصیتی: ترس اولیه ← تجربه تدریجی ← کسب اعتماد ← رشد مهارت‌ها

یادگیری اجتماعی: کار انفرادی ← همکاری گروهی ← دوستی‌های جدید

کشف خود: عدم آگاهی از توانایی‌ها ← تجربه نقش‌های مختلف ← شناخت استعدادها

تغییر نگرش: درس = کار سخت ← درس = بازی ← درس = زندگی

روایت‌های دانش آموزان نشان می‌دهد که تجربه نمایش محور بر آرزوها و اهداف آینده آن‌ها نیز تأثیر گذاشته است:

“می‌خوام همیشه این طور یاد بگیرم”

“دوست دارم معلم بشم و برای بچه‌ها نمایش بذارم”

“می‌خوام داستان‌نویس بشم”

“می‌خوام بازیگر بشم”

یافته‌های روایت‌پژوهی نشان می‌دهد که برنامه درسی نمایش محور تأثیری تحول‌آفرین بر جنبه‌های مختلف یادگیری و رشد دانش آموزان داشته است. این رویکرد توانسته یادگیری را از حالت منفعلانه و تکراری به تجربه‌ای فعال، معنادار و الهام‌بخش تبدیل کند. علاوه بر تقویت مهارت‌های زبانی و پیشرفت تحصیلی، این برنامه نقشی کلیدی در پرورش مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و خلاقیت دانش آموزان ایفا کرده و مفاهیم اخلاقی را در قالب تجربه‌های واقعی به آن‌ها منتقل کرده است. صدای جمعی دانش آموزان این پیام مهم را منتقل می‌کند: “نمایش به ما یاد داد که یادگیری می‌تونه لذت‌بخش باشه. ما فهمیدیم که همه‌مون استعدادهای مخفی داریم. مهم اینه که فرصت پیدا کنیم تا اونها رو کشف کنیم. نمایش این فرصت رو بهمون داد.”

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان داد که اجرای برنامه درسی نمایش محور در درس فارسی پایه چهارم ابتدایی، تأثیری معنادار بر سه حوزه اصلی یعنی پیشرفت تحصیلی، مهارت‌های زبانی و مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان دارد. در بررسی داده‌های کمی، مشاهده شد که

میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در تمامی متغیرهای وابسته به‌طور قابل توجهی بالاتر از گروه کنترل بوده است. این یافته بیانگر آن است که الگوی طراحی شده توانسته با ایجاد یک محیط یادگیری پویا و مشارکتی، فرآیند آموزش زبان فارسی را از سطحی سنتی و منفعلانه به سطحی فعال، تعاملی و چندبعدی ارتقا دهد. از منظر کیفی نیز تحلیل روایت‌های دانش‌آموزان نشان داد که مشارکت در فعالیت‌های نمایشی، موجب افزایش اعتمادبه‌نفس، تقویت دوستی‌ها، پرورش خلاقیت و تغییر نگرش نسبت به یادگیری شده است. ترکیب این یافته‌ها نشان می‌دهد که رویکرد نمایش محور نه تنها در ارتقای مهارت‌های زبانی و تحصیلی، بلکه در توسعه اجتماعی و شخصیتی دانش‌آموزان نیز نقشی کلیدی ایفا می‌کند (Hu & Shu, 2025; Nazari et al., 2024).

یافته‌های پژوهش در بخش پیشرفت تحصیلی نشان داد که میانگین نمرات دانش‌آموزان گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. این نتیجه همسو با پژوهش سبزه و همکاران است که اثربخشی فعالیت‌های هنری مانند نمایش و داستان‌گویی را در یادگیری مفاهیم ریاضی نشان داده‌اند (Sabzeh et al., 2024). همچنین با یافته‌های نظری و همکاران (Nazari et al., 2024) همخوانی دارد که نشان دادند استفاده از رویکرد نمایشی، کیفیت یادگیری و درک مفاهیم آموزشی را در دانش‌آموزان ارتقا می‌دهد. در پژوهش‌های خارجی نیز چنین نتایجی گزارش شده است؛ به‌عنوان مثال، گوالدرون و کاستیلو تأکید کرده‌اند که استفاده از نمایش، یادگیری را معنادارتر کرده و انگیزه درونی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد (Gualdron & Castillo, 2018). به نظر می‌رسد عامل اصلی این بهبود، فعال‌سازی ذهن و بدن دانش‌آموزان از طریق فعالیت‌های نمایشی و تبدیل فرآیند یادگیری به یک تجربه ملموس و لذت‌بخش باشد.

از نظر مهارت‌های زبانی، نتایج نشان داد که برنامه درسی نمایش محور توانسته هر چهار مهارت اصلی زبان یعنی خواندن، نوشتن، گوش دادن و صحبت کردن را ارتقا دهد. بیشترین اثر بر مهارت صحبت کردن مشاهده شد که با یافته‌های پژوهش‌های پیشین سازگار است. پژوهش‌های داخلی مانند پژوهش رضائی‌راد (Rezaeirad, 2024) نشان داده‌اند که تئاتر نمایشی موجب بهبود مهارت‌های ارتباطی و خودکنترلی می‌شود. همچنین پژوهش الوند و همکاران (Alvand et al., 2023) در مورد یادگیری نشانه‌های فارسی نشان داد که استفاده از روش نمایشی تأثیر معناداری بر بهبود توانایی‌های زبانی دانش‌آموزان دارد. در سطح بین‌المللی، پژوهش‌های سانچز و همکاران (Sanchez et al., 2022) نیز بیان کرده‌اند که ادغام نمایش در فرآیند یادگیری، فرصت‌های بیشتری برای تقویت مهارت‌های گفتاری و شنیداری دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نمایش، از طریق ایجاد فضای گفت‌وگو و ایفای نقش، بستری مناسب برای تمرین زبانی و توسعه توانایی‌های ارتباطی فراهم می‌کند.

تأثیر قابل توجه برنامه نمایش محور بر مهارت گوش دادن نیز در نتایج این پژوهش به چشم می‌خورد. این یافته با نتایج پژوهش الام و همکاران (Alam et al., 2021) همسو است که نشان دادند فعالیت‌های نمایشی موجب ارتقای مهارت‌های دریافت زبانی در محیط‌های آموزشی می‌شود. به علاوه، پژوهش آلاسماری و الشائیل (Alasmari & Alshaeel, 2020) نیز حاکی از آن بود که آموزش نمایشی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در فرآیند شنیداری فعالانه‌تر شرکت کرده و درک عمیق‌تری از محتوای آموزشی به دست آورند. این امر از آن رو اهمیت دارد که در نظام آموزشی ایران، مهارت گوش دادن کمتر مورد توجه قرار گرفته است و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نمایش می‌تواند راهکاری مؤثر برای جبران این خلأ باشد.

در حوزه مهارت‌های اجتماعی، نتایج بیانگر آن است که دانش‌آموزان گروه آزمایش در ابعاد مختلفی همچون خودکنترلی، همدلی، ابراز وجود و همکاری پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشتند. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های داخلی مانند کار خادمی بارنگنانی و خادمی (Khademi Barangnani & Khademi, 2024) است که نشان دادند تدریس نمایشی موجب تقویت تعاملات اجتماعی و توانایی‌های ارتباطی می‌شود. پژوهش‌های رضائی‌راد (Rezaeirad, 2024) نیز مؤید این امر بودند که تئاتر نمایشی می‌تواند خودکنترلی و سازگاری تحصیلی را در دانش‌آموزان ارتقا دهد. در سطح جهانی نیز، پژوهش برگس و همکاران (Berghs et al., 2022) با مرور نظام‌مند خود نشان دادند که نمایش‌درمانی نقش بسزایی در بهبود تنظیم هیجان و توانمندی‌های اجتماعی کودکان دارد. همچنین یافته‌های پژوهش راجعی و علیمردی

(Rajabi & Alimoradi, 2017) که اثربخشی تئاتر آموزشی را در ارتقای مهارت‌های اجتماعی تأیید کردند، با نتایج این مطالعه هم‌راستا هستند.

یافته‌های کیفی پژوهش حاضر نیز بعد دیگری از اثربخشی برنامه نمایش‌محور را آشکار کرد. تحلیل روایت‌های دانش‌آموزان نشان داد که تجربه‌های نمایشی موجب تحول نگرشی در آن‌ها شده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از دانش‌آموزان یادگیری را نه به عنوان تکلیف سخت و طاقت‌فرسا، بلکه به مثابه یک بازی و تجربه لذت‌بخش توصیف کردند. این یافته با پژوهش‌های سانچز و همکاران (Sanchez et al., 2022) همخوانی دارد که نشان دادند نمایش، یادگیری را از حالت منفعل به فرآیندی پویا و معنادار تبدیل می‌کند. افزون بر این، مضمون‌هایی مانند “از ترس تا شجاعت” و “کشف خلاقیت درونی” که در روایت‌های دانش‌آموزان شناسایی شد، نشان می‌دهد که نمایش می‌تواند اعتمادبه‌نفس و خلاقیت‌های پنهان کودکان را شکوفا کند؛ موضوعی که با نتایج پژوهش آقا عباسی (Agha Abbasi, 2011) و امینی (Amini, 2011) در زمینه نقش نمایش در پرورش استعدادها و کودکان همسو است.

از منظر مقایسه با پیشینه پژوهش، می‌توان گفت که یافته‌های این مطالعه تأییدکننده بسیاری از نتایج داخلی و خارجی است. با این حال، نوآوری آن در طراحی یک الگوی بومی و منسجم برای آموزش زبان فارسی به روش نمایشی است. بیشتر پژوهش‌های گذشته به بررسی تک‌بعدی اثر نمایش بر یادگیری پرداخته‌اند، در حالی که مطالعه حاضر نشان داد برنامه درسی نمایش‌محور می‌تواند همزمان بر سه بعد تحصیلی، زبانی و اجتماعی تأثیر بگذارد (Sabzeh et al., 2024; Safari Machak Poshti et al., 2023). این یافته‌ها با کارهای خارجی همچون پژوهش داوزون و لی (Dawson & Kiger Lee, 2018) و هو و شو (Hu & Shu, 2025) نیز هم‌راستا هستند که تأکید داشتند رویکردهای نمایشی ظرفیت پوشش چندبعدی یادگیری را دارا می‌باشند.

نکته دیگر آن است که یافته‌های پژوهش حاضر ضعف‌های گزارش‌شده در برخی مطالعات گذشته درباره کتاب‌های فارسی و شیوه‌های سنتی تدریس را نیز تأیید کرد (Abbasi et al., 2019; Salsabili, 2021). ضعف در مهارت‌های کاربردی زبان، بی‌انگیزگی دانش‌آموزان و فشارهای ناشی از ارزشیابی‌های سنتی از جمله مشکلاتی است که در پژوهش‌های پیشین نیز مطرح شده بود و نتایج حاضر نشان می‌دهد که استفاده از نمایش می‌تواند این کاستی‌ها را جبران کند. بنابراین، این مطالعه نه تنها بر اثربخشی نمایش در یادگیری تأکید می‌کند، بلکه ضرورت بازنگری در ساختار برنامه‌های درسی رسمی را نیز گوشزد می‌نماید (Abolhasani & Dehghani, 2021; Ezzati & Vahedi, 2017). به طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد که الگوی طراحی‌شده می‌تواند به عنوان یک راهبرد آموزشی نوین در بهبود کیفیت آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی به کار گرفته شود. همسویی این یافته‌ها با شواهد پژوهشی داخلی و بین‌المللی اعتبار آن را افزایش می‌دهد و امکان تعمیم آن را به محیط‌های آموزشی مشابه فراهم می‌سازد. همچنین، روایت‌های دانش‌آموزان در بخش کیفی، عمق و غنای بیشتری به نتایج بخش کمی افزود و نشان داد که اثرات نمایش‌محور نه تنها در نمرات تحصیلی بلکه در نگرش، رفتار و هویت دانش‌آموزان نیز نمود یافته است (Berghs et al., 2022; Hu & Shu, 2025; Sanchez et al., 2022).

یکی از محدودیت‌های این پژوهش آن بود که جامعه آماری محدود به یک منطقه جغرافیایی خاص (شهرستان بستان‌آباد) و تنها به دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی اختصاص داشت. این موضوع تعمیم‌پذیری نتایج را به سایر پایه‌های تحصیلی یا مناطق کشور با محدودیت مواجه می‌سازد. همچنین، طول دوره مداخله تنها ۱۲ هفته بود و امکان بررسی اثرات بلندمدت برنامه نمایش‌محور بر یادگیری و رشد شخصیتی دانش‌آموزان وجود نداشت. محدودیت دیگر، اجرای برنامه توسط پژوهشگر بود که احتمال اثرگذاری نقش فردی معلم را بر نتایج افزایش می‌دهد. علاوه بر این، ابزارهای مورد استفاده برای سنجش مهارت‌های زبانی و اجتماعی، هرچند روایی و پایایی مطلوبی داشتند، اما همچنان متکی بر خودگزارشی و قضاوت معلم بودند و امکان بروز سوگیری وجود داشت.

برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود اجرای برنامه نمایش‌محور در مقاطع مختلف تحصیلی و در مناطق جغرافیایی گوناگون مورد بررسی قرار گیرد تا امکان تعمیم نتایج افزایش یابد. همچنین، مطالعات طولی با دوره‌های زمانی طولانی‌تر می‌توانند تصویر روشن‌تری از اثرات پایدار

نمایش بر یادگیری و رشد اجتماعی دانش‌آموزان ارائه دهند. استفاده از روش‌های ترکیبی شامل ارزیابی‌های عینی تر مانند تحلیل ویدئویی از عملکرد دانش‌آموزان یا آزمون‌های استاندارد مهارت‌های زبانی نیز می‌تواند دقت یافته‌ها را افزایش دهد. علاوه بر این، مقایسه اثر برنامه نمایش‌محور با سایر رویکردهای فعال یادگیری مانند بازی‌های آموزشی یا یادگیری مبتنی بر پروژه می‌تواند ابعاد تازه‌ای از اثربخشی آن را آشکار کند.

یافته‌های این پژوهش برای معلمان و برنامه‌ریزان درسی پیام‌های مهمی دارد. معلمان می‌توانند با تلفیق فعالیت‌های نمایشی در فرآیند تدریس فارسی، محیطی پویا و انگیزشی برای یادگیری فراهم آورند. برنامه‌ریزان آموزشی نیز می‌توانند از نتایج این مطالعه در بازنگری محتوای کتاب‌های فارسی و طراحی راهبردهای تدریس بهره گیرند. همچنین، سیاست‌گذاران آموزشی می‌توانند با برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان در حوزه آموزش نمایشی، ظرفیت‌های لازم برای اجرای این الگو را در مدارس کشور ایجاد کنند. افزون بر این، استفاده از نمایش نه تنها در درس فارسی بلکه در سایر دروس مانند علوم، ریاضی و مطالعات اجتماعی نیز می‌تواند اثربخشی بالایی داشته باشد و به ارتقای همه‌جانبه یادگیری دانش‌آموزان کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

In contemporary education, the demand for active and participatory learning models has increased significantly, as traditional teacher-centered pedagogies often fail to address the complex needs of learners in a rapidly changing world (Salehi et al., 2024). Drama-based curricula have emerged as powerful tools for integrating experiential, social, and linguistic dimensions of learning, particularly in early education where foundational skills are formed (Hu & Shu, 2025). The emphasis on interactive learning through drama allows

students to engage both cognitively and emotionally with lesson content, thus enhancing retention, motivation, and holistic development (Agha Abbasi, 2011; Amini, 2011).

Drama-based pedagogy is not limited to theatrical performance; it is a structured educational approach that fosters creativity, collaboration, and communication in the classroom (Dawson & Kiger Lee, 2018). International studies have demonstrated that drama fosters not only academic growth but also essential social competencies. For example, Gualdron and Castillo highlighted the role of drama in enhancing motivation, group cooperation, and emotional bonds among learners (Gualdron & Castillo, 2018). Similarly, Sanchez and colleagues emphasized that integrating drama across subjects supports reflective practice and improves both teacher and student engagement (Sanchez et al., 2022). These findings align with Hu and Shu's evidence that drama education contributes to critical thinking by strengthening collaborative problem-solving (Hu & Shu, 2025).

In Iran, however, research indicates persistent weaknesses in elementary curricula, especially in Persian language education. Studies have found that textbooks often lack engaging structures and innovative methodologies that foster language development and creativity (Nourifard & Akbari, 2015; Salsabili, 2021). Abbasi and colleagues reported that secondary graduates continued to struggle with reading difficulties due to insufficient pedagogical support in earlier stages (Abbasi et al., 2019). These shortcomings underline the necessity of revising instructional methods through experiential strategies such as drama to strengthen foundational literacy and communication skills (Abolhasani & Dehghani, 2021; Ezzati & Vahedi, 2017).

Empirical evidence also supports the role of drama in enhancing social development. Rajabi and Alimoradi showed that educational theatre significantly improves social skills and peer interaction in elementary students (Rajabi & Alimoradi, 2017). Similarly, Sabzevar and colleagues demonstrated differences in social skills among students exposed to alternative educational models, with drama-based activities promoting greater cooperation and empathy (Sabzevar et al., 2015). On a global scale, Berghs and colleagues reviewed drama therapy and found that it reduces psychosocial problems, strengthens emotion regulation, and supports identity development (Berghs et al., 2022). These results are echoed by Alasmari and Alshaeel, who showed that drama integration increased communication, cooperation, and academic adjustment among younger learners (Alasmari & Alshaeel, 2020).

More recent Iranian studies also confirm the transformative potential of drama-based teaching. Sabzeh and colleagues revealed that artistic activities such as drama, storytelling, and poetry reading enhanced students' comprehension of mathematical fractions (Sabzeh et al., 2024). Similarly, Nazari and colleagues found that drama-based curricula improved overall student learning outcomes (Nazari et al., 2024). Khademi Barangnani emphasized the dual role of drama in both cognitive and social enrichment, identifying its potential to cultivate negotiation, conflict resolution, and decision-making skills (Khademi Barangnani & Khademi, 2024). Rezaeirad also demonstrated that drama techniques improved self-control and academic adjustment among elementary students (Rezaeirad, 2024).

Despite these encouraging findings, structural barriers have hindered the widespread adoption of drama in Iranian classrooms. There remains a lack of institutional frameworks for drama-based learning in curriculum design, and teachers often rely on conventional didactic approaches that emphasize memorization rather than creativity (Alvand et al., 2023). The gap between global best practices and local applications demonstrates an urgent need for designing an indigenous, structured model of drama-based curriculum implementation in Persian language instruction. This study addresses that gap by developing a comprehensive model for integrating drama in fourth-grade Persian language education and assessing its impact on academic achievement, language skills, and social skills.

Methods and Materials

This study employed a mixed-methods approach with an exploratory sequential design. In the qualitative phase, a meta-synthesis was conducted to identify essential components of drama-based curriculum implementation, followed by expert validation through content and face validity procedures. In the quantitative phase, a quasi-experimental pretest–posttest design with a control group was used to evaluate the effectiveness of the developed model.

The statistical population included all fourth-grade elementary students in Bostanabad during the 2022–2023 academic year. Two intact classes were selected using convenience sampling, with 20 students in each class effectively participating. The experimental group received Persian lessons through the drama-based curriculum model, while the control group followed traditional instruction. The intervention lasted 12 weeks, with 40-minute sessions each week.

Research instruments included a teacher-made test for Persian achievement, a standardized language skills assessment (covering reading, writing, listening, and speaking), and the Gresham and Elliott Social Skills Rating System. Reliability was confirmed via Cronbach's alpha, and validity was verified by expert review. Data were analyzed using descriptive statistics and inferential methods, including analysis of covariance (ANCOVA). Narrative inquiry was also employed to capture students' lived experiences, using semi-structured interviews, classroom observations, and student-created artifacts.

Findings

The qualitative analysis identified eight core elements of drama-based curriculum implementation: learning, classroom environment, teacher role, background preparation, teaching method, student participation, content, and evaluation. All eight elements demonstrated acceptable content and face validity indices, with average CVI scores above 0.91 and overall Cronbach's alpha of 0.91, confirming the model's reliability.

Quantitative results revealed significant improvements in the experimental group across all outcome variables. Academic achievement scores were substantially higher in the experimental group compared to the control group, with a large effect size ($d = 1.07$). Language skills showed the strongest gains, with an overall effect size of $d = 1.98$. Among subskills, speaking ($d = 1.84$) and listening ($d = 1.78$) displayed the most improvement, followed by reading ($d = 1.61$) and writing ($d = 1.48$).

Social skills also improved significantly in the experimental group, with the overall effect size reaching $d = 2.10$, the highest among all variables. Within the social skills dimensions, self-control showed the strongest effect ($d = 1.78$), followed by cooperation ($d = 1.74$), empathy ($d = 1.45$), and assertiveness ($d = 1.32$). Multivariate analysis confirmed that the drama-based curriculum simultaneously influenced all three dependent variables (Wilks' Lambda = 0.153, $F = 32.145$, $p < 0.001$, $\eta^2 = 0.633$).

Narrative inquiry revealed transformative effects on students' perspectives and behaviors. Five recurring themes emerged from student accounts: overcoming fear, learning through play, developing friendships, discovering creativity, and internalizing moral values. Stories illustrated how drama helped shy students become confident speakers, turned reluctant learners into enthusiastic participants, and encouraged ethical growth by modeling honesty and empathy.

Discussion and Conclusion

The findings confirm that drama-based curriculum implementation is a powerful approach for enhancing academic, linguistic, and social outcomes in elementary education. The strong gains in academic achievement align with Sabzeh's study, where drama and storytelling improved mathematics learning (Sabzeh et al., 2024). The improvements in language skills resonate with both Iranian and international studies, including those by Nazari (Nazari et al., 2024), Rezaeirad (Rezaeirad, 2024), and Sanchez (Sanchez et al., 2022), all of which emphasized drama's capacity to strengthen speaking and listening through interactive and dialogic practices. The remarkable effect on social skills reinforces prior research highlighting drama's role in fostering collaboration and empathy. For instance, Rajabi (Rajabi & Alimoradi, 2017) found that educational theatre

develops social interaction, while Berghs (Berghs et al., 2022) emphasized its therapeutic impact on emotional regulation. The present study's qualitative findings—especially themes of courage, creativity, and moral understanding—extend this literature by showing how drama not only improves measurable skills but also reshapes students' identities and aspirations.

Compared with prior research, the novelty of this study lies in presenting a comprehensive, validated model tailored for Persian language education. While earlier Iranian studies noted drama's benefits (Alvand et al., 2023; Khademi Barangnani & Khademi, 2024), they lacked structured frameworks for integration. This research provides both a theoretical foundation and an empirical validation for curriculum designers and practitioners.

In conclusion, the drama-based curriculum model proved to be highly effective in improving academic achievement, language proficiency, and social skills in fourth-grade Persian students. Beyond quantitative gains, the qualitative results demonstrated that drama fosters confidence, motivation, creativity, and ethical development. These findings affirm drama as an innovative, holistic pedagogy capable of transforming traditional classrooms into dynamic spaces of growth.

References

- Abbasi, Z., Daneshgar, M., & Khosravi, A. (2019). Analysis of Reading Difficulties among Secondary Education Graduates in Tehran Based on AMZA Test Data (Considering Gender and Field of Study Variables). *Tarbiat Modares University Publications*, 10(6), 173-204. <https://www.sid.ir/paper/166106/fa>
- Abolhasani, Z., & Dehghani, M. (2021). Curriculum Pathology of Work and Technology in Lower Secondary Education: A Qualitative Study. *Educational Technology*, 14(2), 553-565. https://jte.sru.ac.ir/%20http://itvhe.areo.ir/article_974.html
- Agha Abbasi, Y. (2011). *Creative Drama, Storytelling, and Children's Theatre*. Ghatr Publishing. <https://www.ketabrah.ir/>
- Alam, S., Al-Hawamdeh, B. O. S., Ghani, M. U., & Keezhatta, M. S. (2021). Strategy of improvising drama in education: praxis of pedagogy in EFL/ESL context. *The Asian ESP journal*, 23. https://www.researchgate.net/profile/Ayesha-Asad-4/publication/353878144_Improving_English_Language_Receptive_Skills_through_Mobile-Assisted_Language_Learning_Perceptions_and_Practices_of_Undergraduate_Students/links/61160b871ca20f6f861b7bec/Improving-English-Language-Receptive-Skills-through-Mobile-Assisted-Language-Learning-Perceptions-and-Practices-of-Undergraduate-Students.pdf#page=23
- Alasmari, N., & Alshaeel, A. (2020). The effect of using drama in english language learning among young learners: a case study of 6th grade female pupils in sakaka city. *International Journal of Education and Literacy Studies*, 8(1), 61-73. <https://doi.org/10.7575/aiac.ijels.v.8n.1p.61>
- Alvand, K., Azizpour, F., Torabi, L., Piran Dalir, S. N., Akbarzadeh Koohi Kheyli, S. Z., & Sadeghian, N. (2023). Effectiveness of Dramatic Teaching Method in Learning Persian Letters among First Grade Male Students. *Strategic Research in Education and Training Journal*(5), 83-100. <https://civilica.com/doc/1694302/>
- Amini, R. (2011). *Pedagogic Theatre*. Afraz. <https://www.afrazbook.com/>
- Bakhshi, A. (2022). *Investigating the Effectiveness of Social Skills on Increasing Achievement Motivation among Students in Western Mazandaran Province*. <https://civilica.com/doc/1542267>
- Berghs, M., Prick, A. E. J. C., Vissers, C., & Van Hooren, S. (2022). Drama therapy for children and adolescents with psychosocial problems: a systemic review on effects, means, therapeutic attitude, and supposed mechanisms of change. *Journal of children (Basel, Switzerland)*, 9(9), 1358. <https://doi.org/10.3390/children9091358>
- Dawson, K., & Kiger Lee, B. (2018). Drama based-pedagogy. In *Intellect Bristol, UK/ Chicago, USA*. <https://doi.org/10.2307/j.ctv36xw0wt.8>
- Ezzati, M., & Vahedi, S. (2017). Understanding and Attitudes of Head Teachers toward Work and Technology Course. *Curriculum Studies Journal*, 12(45), 95-118. https://www.jcsicsa.ir/article_63734.html
- Gualdrón, E., & Castillo, E. (2018). Theater for language teaching and learning: the theater, a holistic methodology, issues teach. *Profile*, 20(2), 12-29. <https://doi.org/10.15446/profile.v20n2.63969>
- Hu, Y., & Shu, J. (2025). The effect of drama education on enhancing critical thinking through collaboration and communication. *Edu.sci.*, 15(5), 565. <https://doi.org/10.3390/educsci15050565>
- Khademi Barangnani, N., & Khademi, H. (2024). Review and Analysis of the Dramatic Teaching Method. *Afagh Humanities Journal*(94), 71-86. <https://civilica.com/doc/2175114/>

- Khurshidi, A., & Ghandali, S. (2001). *Practical Guide to Modern Teaching Methods with Attention to Metacognitive Approaches*. Pasin. <https://www.gisoom.com/book/1250863>
- Lemonidis, C., & Kaiafa, I. (2019). The effect of using storytelling strategy on students performance in fractions. *Journal of Education and Learning*, 8(2), 165-175. <https://doi.org/10.5539/jel.v8n2p165>
- Mastropieri, M. A., & Scruggs, T. E. (2016). *Kaynaştırma Sınıfı: Etkili Farklılaştırılmış Öğretim İçin Stratejiler* (Çev. Ed. M. Şahin ve Taner Altun). Nobel Yayıncılık. <https://dergipark.org.tr/en/pub/ufuksbedergi/issue/57452/814886>
- Nazari, S., Shiviari, F., Safriani, A., & Rahmani, H. (2024). Effectiveness of Using Dramatic Teaching Approach on Students' Learning Outcomes. *Strategic Research in Education and Training Journal*(18), 33-41. <https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/2168093/>
- Nourifard, S., & Akbari, M. (2015). Analysis of the Structure of Stories in Persian Textbooks for Elementary Education. Proceedings of the National Conference on Elementary Education, <https://civilica.com/doc/1770728/>
- Rajabi, S., & Alimoradi, K. (2017). Effectiveness of Educational Theatre in Enhancing Social Skills and Learning in Elementary Students. *New Educational Approaches, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan*, 12(2(26)), 96-113. https://nea.ui.ac.ir/article_22606.html
- Rezaeirad, M. (2024). Designing and Implementing Dramatic Theatre Techniques and Their Impact on Self-Control and Academic Adjustment of Elementary Students. *Biannual Journal of Research and Innovation in Elementary Education*, 102-117. https://reek.cfu.ac.ir/article_3855.html
- Sabzeh, B., Fathi, M., & Hasanlou, S. (2024). Effectiveness of Artistic Activities (Drama, Poetry Reading, and Storytelling) in Learning Fraction Concepts in Mathematics. *Scientific Quarterly Journal: A New Approach to Children's Education*, 6(4). https://journal.iocv.ir/article_203063.html
- Sabzevar, M., Liaghtdar, M. J., & Abedi, A. (2015). Comparison of Social Skills Dimensions among Elementary Students in Private (without school bag) and Public Schools in Isfahan. *New Educational Approaches*, 10(1), 105-120. https://nea.ui.ac.ir/article_19129.html
- Safari Machak Poshti, F., Parhadeh, F. e., & Nikbakht Nasr Abadi, F. (2023). Investigating the Effectiveness of Using Dramatic Teaching Approach on Students' Learning Outcomes. *Psychological and Educational Studies (Negar Higher Education Institute)*(57), 301-309. <https://civilica.com/doc/2000080/>
- Salehi, S. H., Safipour, M., & Alipour, R. (2024). Transition from Traditional to Modern Education in the Era of Technology. First International Conference of Top Teachers, Masjed Soleiman, <https://civilica.com/doc/2164843>
- Salsabili, N. (2021). Evaluation of the Intended Persian Curriculum Package for Primary First Grade Based on Language Learning Reference Criteria. *Quarterly Journal of Education and Training*, 3(147), 77-100. <https://ensani.ir/fa/article/474673/>
- Sanchez, S., Athanases, S., Cahalan, O., & Houk, J. (2022). Drama integration across subjects, grades, and learners: insights from new teachers as inquiring reflective practitioners. *Arts Education Policy Review*. <https://doi.org/10.1080/10632913.2022.2053920>
- Zakariaei, M., Seif Naraghi, M., Shariatmadari, A., & Naderi, E. (2008). Investigating the Effect of Implementing Curriculum through Storytelling and Creative Drama on Creativity and Learning of Fourth Grade Female Students in District 5 of Tehran. *Educational Research Journal, Islamic Azad University, Bojnord Branch*(16). <https://civilica.com/doc/1709796/>